



نیازهای برآورده نشده
-تعارضات زناشویی حل نشده
-تهییج، کنجکاوی و جدید بودن موضوع
-عدم برقراری یک رابطه گرم و صمیمانه با همسر
ملاحظات روانشناختی:
باتوجه به اینکه افراد با تیپ های شخصیتی متفاوت درگیر مسائلی از این دست هستند، باید جنبه های مختلف گرایش به این رفتار (خیانت (را در نظر گرفت، در خیلی از مواقع افراد به دلیل عدم صداقت طرف مقابل، ارضاء نشدن نیاز های مختلف در زندگی مشترک و ... دست به خیانت می زنند.

سارا از شوهرش طلاق گرفت تا به عشق اش برسد!

دستورات خود بوده و لزومی برای ارائه دلیل نمی دیدند که با توجه به این شرایط ایشان فرصتی برای رو به رو شدن و مدیریت چالش های زندگی رانداشته و فقدان مهارت های اساسی حل مساله در زندگی ایشان مشخص است، از جمله مهارت حل مساله، ارتباط موثر و کنترل هیجانات و ... فرصت ابراز وجود رانداشتند. سبک زندگی خانوادگی وی خشک و سرد بوده است.

در اکثر پرونده های بزهرکاری و جنایی و حتی جرایم یقه سفید ها مشاهده می شود که مجرمین روابط جنسی بی قاعده را تجربه می کرده اند و در صورت تاهل روابط عاطفی مستحکم بین زن و شوهر حاکم نبوده است، تنها علل همزیستی احتمالی هم نیاز مالی به هم و نداشتن سرپناه مستقل و یابی سرپرست شدن فرزندان و فرار از حرف مردم بوده است، زندگی بدین شکل انسان را در یک سه راهی قرار می دهد که یا باید بسوزد و بسازد و یا طلاق و رهایی را با تمام هزینه هایش برگزیند و یا خدایی ناکرده در ظاهر نمایش ساختن بدهد و در باطن خیانت پیشه کند.

که در این مورد در مشکلات و مسائل عاطفی خود را پیش از آنکه با همسرش مطرح کند با فرد دیگری خارج از خانواده در میان می گذارد و از حمایت عاطفی می جوید و بین زوجین روابط زناشویی خوبی حاکم نبوده است.

اختلالات جنسی که به مرور زمان به وجود آمده و مشکلات شخصیتی که باعث شده مرد نتواند به همسر خود محبت کند و فقدان محبت، عاطفه و روابط گرم و صمیمی باعث این خیانت شده است و اینکه زن گذشته خوبی نداشته، زمان مجردی محدود بوده و در سخت

و بستگانم منفور تر میشدم.
در حالی که فکر میکردم جدایی من از میلاد و از دواج با فرزند باعث خوشبختی من خواهد شد اما بعد از طلاق فرزند ناپدید شد، او به من قول از دواج داده بود ولی با من از دواج نکرد و به دنبال زندگی خودش رفته است و مدتی قبل هم متوجه شدم که میلاد پس از طلاق یاد دختر دیگری از دواج کرده است، حال من تبدیل به زنی سرگردان شده ام. عشق کورکورانه من باعث شدم زندگی را از دست بدهم میلاد عاشقانه به من محبت می کرد اما من چون دوستش نداشتم علاقه او را نمی دیدم او وقتی مرا طلاق داد گفت به خاطر اینکه تو خوشبخت شوی تو را طلاق میدهم اما من خیلی مغرورانه با روی احساسات میلاد گذاشتم اما می دانم که آه او مرا گرفت و فرزند غیبش زد و زندگی دیگری را برای از دواج انتخاب کرد من گناه بزرگی را مرتکب شدم و حالا نه راه پیش دارم و نه راه پس، خانواده ام مرا طرد کردند آنها از اینکه ابرویشان را بر دم و رسوا شدم مرا به خانه راه نمی دهند من مانده ام با تنهایی و رسوائی که باعث حقارت من شده است.

نگاه کارشناسی زهرایات کارشناس ارشد روانشناسی
مراجع خانمی ۲۱ ساله است که در یک خانواده پر جمعیت و ضعیف به دنیا آمده است پدر و مادرش سواد آنتجانی ندارند، روابط اعضای خانواده خوب نبوده است و رفتار پدر به گونه ای بوده که اجرای بی چون و چرای دستوراتش حرف اول را می زده است و توقع رفتارهای عاقلانه و عملکرد خوب در خانه را نداشته است، از کودکی توسط پدر و مادرش مورد محبت و توجه قرار نگرفته است، مشکلات مالی زیادی داشته اند، پدر به شدت خواهان انجام

گروه حوادث - رفتارهای عاشقانه اش در مهمانی های شوهرم مرا جذب خودش کرد تا جایی که من هم عاشق اش شدم به من قول از دواج داد اما از وقتی از سوام در خواست طلاق کردم دیگر پیدایش نشده حالا من ماندم و رسوائی
من سارا هستم ۱۷ ساله بودم که با میلاد از دواج کردم، ما همدیگر رادوست نداشتم... من هیچ حسی به میلاد نداشتم تا اینکه در مهمانی های دوستان دوران مجردی شوهرم با پسر خوش تپیی که تقریباً به همه میهمانی ها بود آشنا شدم این آشنایی من را از مسیر زندگی جدا کرد اما من از من و از زیبایی ام تعریف می کرد فرزند با ابراز علاقه اش من را وادار کرد که با او ارتباط برقرار کنم...
میلاد با اینکه سعی می کرد با من رفتار خوبی داشته باشد اما من علاقه ای به او نداشتم و هر بار بر سر موضوعی باهم دوایمان میشد بیشتر وقت من به صورت تلفنی با فرزند سیری میشدم من فقط به او فکر می کردم او با حرف هایش باعث آرامش می شد بهترین کادو ها را برام میخرید و مدام می گفت که میلاد لیاقت زن زیبایی چون تو را ندارد همین جملات همین تعریف کردن مرا همارا گستاخ تر کرد تا موضوع طلاق با میلاد را برای خانواده ام مطرح کنم اما خانواده ام واکنش بدی به این ماجرا نشان دادند تا جایی که مرا از خانه بیرون انداختند این درحالی بود که رفتارهای عاشقانه فرزند باعث شدن من با تصور اینکه با او می توانم زندگی عاشقانه تری داشته باشم و در رفاه بیشتری باشم موضوع طلاق را به میلاد گفتم در حالی که میلاد از این ماجرا احساسی شوکه شده بود و به شدت حالش بد بود رابطه پنهانی من و فرزند هر روز بیشتر می شد و من باین کارها نزد خانواده

تشریح جنایت خونین در بریانک



کرد البته همان شب با دوستم و همسرش به بیمارستان رفتم تا ببینم اوضاع چطور است. اما وقتی فهمیدم پزشکان گفته اند حال او وخیم است فرار کردم سپس شهرام و شاهرخ هم یک به یک به جایگاه رفتند و مدعی شدند برای پس گرفتن ساعت و زنجیر طلا به آنجا رفته بودند و دخالتی در قتل نداشتند اما اکبر قصد دارد پای آنها را به ماجرای قتل بکشانند.
با پایان اظهارات متهمان، قضات وارد شور شدند تارای صادر کنند.

ساکت شوم من گفتم به آنها ارتباطی ندارد اما باهم درگیر شدیم و چند سبیلی به آنها زدم و آنها رفتند. بعد از چند دقیقه دو برادر با دوستشان اکبر که هر ۳ مسلح بودند به محل برگشتند و ما هم از ترس مان شیشه نوشابه برداشتم و به سمت شان پرت کردم تا بتوانیم فرار کنیم. بعد از فرار متوجه شدم بهروز همراه مان نیست اول فکر کردم جلوتر از ما فرار کرده اما بعدا فهمیدم آنها برادرم را زده اند.
سپس نیما که با قرار وثیقه آزاد بوده جایگاه ویژه رفت و اظهارات برادر مقتول را تایید کرد.
وقتی اکبر رویه روی قضات ایستاد گفت: من می خواهم واقعت را بگویم، آن روز با همسرم دعوا کرده بودم و دو خشاب قرص خواب خورده بودم که شهرام و شاهرخ به من زنگ زدند و از من خواستند برای گرفتن ساعت و زنجیر طلایشان آنها را همراهی کنیم. آنها از من خواستند شمیر و قمه هابیم را همراه بیرم که اگر لازم شد بتوانیم از خودمان دفاع کنیم. وقتی به آنجا رسیدیم آنها با شیشه به ما حمله کردند. در یک لحظه من و بهروز باهم یقه به یقه شدیم و او قمه را گرفت. همان لحظه شهرام برای اینکه به من کمک کند با شمیر به سمت مان آمد و آن را محکم روی دوی کشید. جرقه شمیر روی دیوار باعث شد بهروز بترسد و خودش را به عقب بکشد و قمه ناخواسته به بازویش برخورد کرد. باور کنید من او را نکشتم و او خودش باعث شد قمه با دستش برخورد کند.
قاضی گفت: اگر دو خشاب قرص خورده بودی چطور ماجرا را با جزئیات به خاطر می آوری؟
که منم جواب داد: باور کنید من حقیقت را می گویم. وقتی قربانی به سمت کوچه رفت شاهرخ با چوب دو ضربه به سرش زد و او روی زمین افتاد و من از ترسم فرار

وی ادامه داد: ما همراه هم به محل برگشتیم. بهروز و بهزاد و نیما به محض اینکه ما را دیدند شیشه نوشابه های یک مغازه را به سمت مان پرتاب و فرار کردند و ما هم به سمت شان حمله کردیم و در نهایت اکبر با قمه ضربه ای به بهروز زد. من حتی می خواستم او را به بیمارستان برسانم اما بهروز گفت خالم خوب نیست و نیامد.
اکبر در بازجویی ها مدعی بود شهرام عامل جنایت است. اما وقتی در بن بست اطلاعاتی قرار گرفت به قتل اعتراف کرد و گفت ضربه به گردن را به قربانی زده است. وی در تشریح ماجرا گفت: پس از اینکه شهرام با من تماس گرفت به همراه شاهرخ به محل درگیری رفتم. اما آنها به ما شیشه پرتاب می کردند. من به دنبال بهروز دویدم و او با شیشه نوشابه ضربه ای به کتفم زد و من هم برای دفاع از خودم چند ضربه به قمه به او زدم. اما من قصد کشتن او را نداشتم.
در این میان پزشکی قانونی علت مرگ را آسیب عروق حیاتی ناشی از اصابت جسم برنده اعلام کرد.
با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فر ستاده شد.
در دادگاه
در ابتدای جلسه مادر قربانی در خواست قصاص را مطرح کرد.
سپس برادر مقتول که به اتهام شرکت در نزاع منجر به قتل با قرار وثیقه آزاد بود روبه روی قضات ایستاد و گفت: آن روز برادر بزرگترم از من خواست تا برای انجام کاری به خانه اش بروم که با برادرم بهروز و دوست مان نیما جلوی خانه برادرم رفتم که متوجه شدم برادرم با همسایه شان دعوا کرده. من با صدای بلند به همسایه اعتراض کردم که یکبار شهرام و شاهرخ به ما نزدیک شدند و اعتراض کردند. آنها می گفتند

گروه حوادث - مرد جوان که با همدستی دو برادر در درگیری دسته جمعی دست به جنایت زده پای میز محاکمه ایستاد.
رسیدگی به این پرونده جنایت ۱۲ اردیبهشت سال جاری به دنبال درگیری خونین در محله بریانک آغاز شد.
در بررسی هاروشن شد مرد ۴۰ ساله ای به نام بهروز که به شدت مجروح شده بود به بیمارستان لقمان منتقل شده است. اما وی یک روز بعد به خاطر شدت خونریزی شدید تسلیم مرگ شد.
با مرگ بهروز تلاش برای شناسایی عامل یا عاملان جنایت شروع شد و ماموران با تحقیق دریافتند درگیری میان بهروز، برادرش بهزاد و دوست شان نیما یا دو برادر به نام های شهرام و شاهرخ و دوست شان اکبر رخ داده است. با افشای این ماجرا عاملان درگیری بازداشت شدند.
تشریح درگیری خونین
شهرام در بازجویی ها گفت: آن روز من و برادرم شاهرخ با موتور در حال گذراز کوچه ای بودیم که صدای داد و بیداد چند نفر را شنیدیم و دیدیم بهروز و بهزاد و نیما جلوی خانه همسایه مان ایستاده اند و قصد دارند با یکی از همسایه ها دعوا کنند. من به او گفتم صدایت را پایین بیاور که یکبار بهزاد و ۳ نفر دیگر به سمتمان حمله کردند و من و برادرم را کتک زدند و موتورمان را هم روی زمین انداختند. دعوا با میانجگری همسایه ها تمام شد و سوار موتور شدیم و رفتم. چند دقیقه بعد متوجه شدم زنجیر طلا و ساعت در محل دعوا افتاده. به همین خاطر به دوستم اکبر زنگ زدم و ماجرا را برایش تعریف کردم و از او خواستم برای اینکه من و برادرم تنها نباشیم با ما بیاید و قمه و شمیر هم بیآورد.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

<p>مفقودی</p>	<p>مصالح ساختمانی</p>	<p>سم پاشی</p>	<p>اپلیکیشن خدماتی</p>
<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۱۸۶۲۹/۰۱ به نام رحیم حسینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .</p>	<p>مصالح ساختمانی فروش انواع مصالح ساختمانی به قیمت عمده ۰۹۳۴۷۶۸۱۶۰۷ - ۰۹۳۵۶۲۹۴۲۶۲ فتاحی</p>	<p>کنترل حشرات و جانوران مودی کیش سم بدون نیاز به ترک منزل و جا به جایی بازدید و مشاوره رایگان مهندس آذر ۰۹۳۴۷۶۸۶۳۷۸ - ۰۹۱۲۹۶۲۴۲۵۶ بازار هرمز S102</p>	<p>دوستم اپلیکیشن خدماتی کیش غذا، مارکت، خرید، دلیوری و www.Dustam.com ۰۹۹۶۶۷۷۳۴۳۷</p>
<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۷۵۵۳۸/۰۶ به نام سیده زهرا دلیل مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .</p>	<p>اقتصاد کیش پایک تماشای مشترک شوید</p>	<p>نقاشی ساختمان</p>	<p>استخدام</p>
<p>اصل کارت اشتغال به نام شاه نظر علی قل به شماره گذرنامه P00760015 و شماره پروانه کار ۱۷۹۱۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>مفقودی</p>	<p>نقاشی ساختمان زارعی با ۱۵ سال سابقه کار در جزیره کیش و تهران اجرای انواع رنگ های داخل و نما سانمارکو. جوتن. اکریک. پلاستیکی. روغنی. پتینه درزگیری. ماستیک کناف. مولتی کالر. کینتکس و رونکس و... سیلر کلر درب چوبی و آهنی انواع رنگ مختلف دلخواه شما مشتری گرامی تلفن: ۰۹۳۴۷۶۹۸۶۱۰ واتساپ: ۰۹۱۹۸۷۱۶۲۵۰ اینستاگرام: Bac_graphic</p>	<p>استخدام گرافیکست گرافیکست آشنا به فتوشاپ مورد نیاز است. متقاضیان به نشانی، خیابان فردوسی، ویلاهای مروارید، بلوک B3، طبقه سوم، واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>
<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۰۰۷۶۷/۰۶ به نام امیر ارس نوری اصل مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .</p>	<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۲۰۹۸۳/۰۱ به نام مهسا نخعی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .</p>		
<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۳۰۹۶۸/۰۱ به نام سید محمد سهیل طاهری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .</p>	<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۲۰۹۸۲/۰۱ به نام سید مهدی حسینی جنگجو مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .</p>		<p>از مترجم متن زبان، فارسی به انگلیسی به صورت پاره وقت دعوت به عمل می آید. ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>

صنایع چوب
حلاج کیش
کلید سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲